

تاریخ دریافت: ۹۷/۳/۳۰

تاریخ پذیرش: ۹۷/۴/۲۹

فصل نامه علمی - پژوهشی عصر آدینه

سال دهم، شماره ۲۲، تابستان ۱۳۹۶

ظهور فناوری های نوین ارتباطی و فهم پذیری روایات ارتباطی عصر ظهور

کریم خان محمدی^۱
سید عباس حسینی^۲

چکیده

این پژوهش با روش تحلیل معنایی درصدد بررسی روایات ارتباطی عصر ظهور است. با کاوش دیدگاه های مختلف در خصوص تبیین فناوری حاکم بر زمان ظهور این نتیجه حاصل شد که هرچند در ارتباطات عصر ظهور احتمال اعجاز و طریق غیرعادی ارتباطی وجود دارد و نمی توان آن را ناممکن دانست، اما با توجه به سنت الهی (جریان امور طبق اسباب) به نظر می رسد این روایات بیشتر نمایانگر بُعد ارتباطی طبیعی است که دست کم چشم اندازی از آن برای ما در عصر فناوری ارتباطات حاصل شده است. شاید بر همین اساس است که معاصرینی که رشد و پیشرفت فناوری های نوین را مشاهده نموده اند، برخلاف گذشتگان که اغلب وجود این ارتباطات و فناوری ها را بر نوعی کرامت و اعجاز حمل کرده اند؛ روایات ارتباطی عصر ظهور را بر سرعت طبیعی اما خیره کننده فناوری ها حمل کرده اند. از این رو، می توان مدعی شد که با ظهور هرچه پیشرفته تر فناوری های نوین ارتباطی، روایات ارتباطی عصر ظهور قابل فهم تر می شود.

کلیدواژه ها: روایات ارتباطی، عصر ظهور، فناوری.

۱. عضو هیئت علمی دانشگاه باقرالعلوم (ع) قم (نویسنده مسئول) (khanmohammadi49@yahoo.com).

۲. دانشجوی دکتری فرهنگ و ارتباطات دانشکده باقرالعلوم (ع) قم.

عصر ظهور، عصر ربیع الانام (بهار انسان‌ها) و عصر نضرۃ الایام (شکوفایی دوران‌ها) است. عصری که همه پیامبران و امامان، در انتظار فرارسیدن آن بوده‌اند؛ عصری که در آن، وعده‌های الهی بر حکومت جهانی حق و عدل، تحقق می‌یابند و آیه استخلاف عینیت پیدا می‌کند. برای شناخت عصر ظهور، باید همه جلوه‌های زندگی و مظاهر حیات انسان را صد درصد دگرگون ساخت و آنگاه به تماشای آن نشست، چراکه پس از قیام جهانی امام عصر عجل الله تعالی فرجه الیه در روزگار حاکمیت آن عدالت گستر استین، فقر و نیاز از جامعه بشری رخت برمی‌بندد و آفت محرومیت از میان می‌رود و حزن و اندوه به سرور و شادمانی تبدیل می‌گردد. عصر ظهور، عصر بروز تحولات گوناگون در تمام ابعاد هستی است و شناخت آن برای کسانی که رایحه‌ای از آن فضا را استشمام نکرده‌اند، دشوار است. روایات دینی، جامعه عصر ظهور را این‌گونه توصیف نموده است که فهم این تحولات جز در پرتو گسترش عینی فناوری‌های ارتباطی، دشوار می‌نماید. انسان‌ها در عصر ظهور، شاهد پیشرفت و توسعه‌ای بی‌نظیر در دانش، صنعت، فن‌آوری و تولید خواهند بود و امر مجهول و مبهمی فراروی آنان نخواهد ماند. شاخه‌ها و شعبه‌های مختلف علم بر روی آنان، گشوده شده و پرده‌های ظلمت و نادانی از دیدگان‌شان به کناری زده خواهد شد. یکی از وجوه پیشرفت و ترقی در عصر ظهور، رشد فن‌آوری ارتباطات و وسایل سریع ارتباطی است. در آن دوران، برای همه انسان‌ها - به خصوص شیعیان - این توان وجود خواهد داشت که با هر نقطه از جهان در مدت بسیار کم، ارتباط برقرار سازند. از همین روست که اندیشمندان گذشته، چنین دگرگونی عظیم و بنیادین در زمینه علوم و فناوری را از منظر قدرت ماورای طبیعی و با عنوان معجزه الهی مطرح و تفسیر کرده‌اند.

اما امروزه امکان‌هایی که فناوری‌های ارتباطی جدید دارند نیز نسبت به شکل‌ها و ابزارهای ارتباطی گذشته بسیار شگفت‌انگیز است و شاید همین مسئله امکان فهم‌پذیری این روایات را فراهم کرده است و موجب شده تا به جای حمل این روایات بر اعجاز آن‌ها را تبیین کنیم. به عبارتی دیگر، امروزه به خوبی نقش فناوری در پیدایش علم جدید، سبک زندگی و فرهنگ آشکار شده است به طوری که اگر فناوری را از عرصه‌ی علوم و دانش‌ها، فرهنگ‌ها، نظامات اداری و قوانین ناشی از نظام صنعتی، ساختارهای مدرن سیاسی حکومتی، تشکیلات جدید آموزشی، اقتصادی و بهداشتی، برداریم، چیزی از دنیای

مدرن با این تشکیلات گسترده آن باقی نمی‌ماند اگر فناوری را از جهان مدرن برداریم، جهان مدرن به عالم سنتی تبدیل می‌شود. فناوری مدرن در شکل‌گیری هویت انسان، تأثیرگذار است و فهم ما را از عالم و آدم دچار تغییرات اساسی کرده است. (شه‌گلی، ۱۳۹۵: ۱۳)

حال سؤال اصلی این پژوهش این است که آیا می‌توان با تکیه بر ظهور چنین فناوری‌های ارتباطی تبیین عقلانی‌تر از روایات ارتباطی عصر ظهور ارائه کرد؟ چگونه؟ برای پاسخ به این سؤال از روش تحلیل مؤلفه‌های معنایی استفاده خواهد شد. منظور از «مؤلفه‌های معنایی» اجزای معنایی هستند که وقتی در کنار هم قرار می‌گیرند یک معنای بزرگ‌تر را می‌سازند؛ بنابراین همواره در تحلیل معنایی یکی از اصلی‌ترین اهداف این است که بتوان مؤلفه‌های یک معنا را استخراج کرد (پاکتچی، ۱۳۸۹: ۱۶۵). بدین ترتیب ابتدا روایات حاوی مضامین ارتباطی استخراج و سپس اعتبارسنجی می‌شوند. این روایات متضمن مفاهیمی هستند که در مجموع مؤلفه‌های معنایی ارتباطات را تشکیل می‌دهند. با تحلیل مجموع آن‌ها می‌توان به ایده محوری دست یافت. از این رو، لازم است ابتدا قابلیت‌های فناوری‌های نوین ارتباطی بیان و سپس روایات ارتباطی عصر ظهور بر اساس این قابلیت‌ها و ظرفیت‌ها همراه با تبیین دیدگاه‌های مختلف بزرگان حوزه دین مورد بررسی قرار گیرند.

مفهوم‌شناسی

قبل از پرداختن به تحلیل مؤلفه‌های معنایی روایات ارتباطی عصر ظهور توضیح مفاهیم به کاررفته در عنوان، شرح موضوع را تسهیل می‌کند.

فناوری

واژه «فناوری»^۱ از واژه «تخنه» در زبان یونانی باستان به معنای «فن» یا «هنر» مشتق شده است؛ اما امروزه، در عرف عام، این واژه بیشتر معنای ابزاری مستتر در واژه «فن» را با خود دارد. کاربرد واژه فناوری را در جای خود می‌توان به دو قلمرو جداگانه اما مرتبط به هم تقسیم کرد. نخست، فناوری به شبکه‌ای از فعالیت‌های انسان مربوط می‌شود که طی آن با دخل و تصرف در مواد خام به آن‌ها شکلی مفید و قابل استفاده داده می‌شود. فناوری در

1. technology

این مفهوم عمدتاً به موضوع تکنیک بازمی‌گردد و به کارگیری آن مستلزم داشتن هدف یا طرحی است که به شیوه استفاده از مواد پس از فرآوری آن‌ها مربوط می‌شود. دوم، محصول نهایی این فرایند دخل و تصرف در مواد نیز فناوری خوانده می‌شود. (ادگار، سچ ویک، ۱۳۸۷: ۹۹) از این رو، مثلاً وقتی ما به هواپیما یا رایانه همچون یک فناوری اشاره می‌کنیم، از فرایند دخل و تصرفی که به تولید آن‌ها منجر شده سخن نمی‌گوییم، بلکه سخن از شیء‌ای به میان می‌آوریم که در سرشت خود و از بنیاد، با دیگر اشیائی که در جهان وجود دارد متفاوت انگاشته می‌شود. در این مقاله بیشتر همین معنای دوم (محصول فعالیت انسان) مدنظر است.

سازمان ملل متحد فناوری را به منزله مجموعه اطلاعات، مهارت‌ها، روش‌ها و ابزار لازم برای ساختن محصولات مورد نیاز و کاربرد آن‌ها یا تأمین خدمات مفید و مورد نیاز پذیرفته است. از منظر فن‌سالاران، فناوری ابزاریا فرایندی است که برای ساختن محصولات بهتر بکار گرفته می‌شود؛ اما از نظر اهل علم، فناوری محصول نهایی تحقیقات یا همان دانش فنی و اطلاعاتی است که می‌تواند به محصولی تجاری تبدیل شود. (افتاده، ۱۳۹۳: ۱۸۹).

دانیل بل معتقد است آدمی همیشه به فناوری وابسته بوده است. فناوری، یعنی توانایی ابزارسازی تا حدی همان چیزی است که ما را از حیوانات متمایز ساخته و به این گونه زیستی کنونی تبدیل کرده است؛ اما درک این نکته اهمیت دارد که تأثیر فناوری بر جامعه به نحو شگفت‌انگیزی در حدود ۲۰۰ سال پیش با انقلاب صنعتی آغاز شد. در دویست سال اخیر است که فناوری به مسئله‌ای کانونی در زندگی انسان تبدیل شده است. در طی این مدت فناوری در مقیاسی بسیار بزرگ‌تر از گذشته سرچشمه افزایش بهره‌وری و رشد استاندارد زندگی بوده است. (بل، ۱۳۸۲: ۷)

فناوری بی‌تردید موتور محرکه جهان ما در دویست سال گذشته بوده است. فناوری‌های جدید به ما امکان تغییر و استیلای گسترده بر طبیعت و در پی آن، درک و همچنین ویرانی طبیعت را داده است. فناوری راه را برای جامعه صنعتی و پس از آن جامعه پساصنعتی هموار کرد و ما به هیچ وجه به پایان پیشرفت‌های بزرگ فناوریانه یا پایان علم نرسیده‌ایم. (همو: ۹۵)

فناوری نیروی محرکه‌ای بوده است که همه جوامع را در چند قرن اخیر دگرگون ساخته

است، درک این نکته نیز همان اندازه اهمیت دارد که در این خصوص هیچ‌گونه جبرگرایی درکار نیست. از سوء تعبیرهایی که از فناوری می‌شود، یکی آن است که فناوری قدری جلوتر از جامعه حرکت می‌کند و مردم را پشت سر می‌گذارد. در نتیجه گفته می‌شود که ما به شوک آینده (تعبیری که آلوین تافلر آینده‌پرداز بر ساخته است) دچار گشته‌ایم. گویی سرعت پیشرفت‌های فناوریانه ما را مبهوت کرده است، اندیشه‌ای که در ادبیات جامعه‌شناسی نیز، البته با اصطلاحاتی اندک متفاوت، یافته می‌شود. ویلیام آگبرن جامعه‌شناس عبارت (تأخر فرهنگی) را به این استدلال بر ساخت که فناوری به نیروی غالب در تغییر اجتماعی بدل شده و نهادهای اجتماعی و فرهنگی نتوانسته‌اند خود را با آن سازگار کنند که در نتیجه منجر به (تأخر فرهنگی) شده است. فناوری در بهترین حالت یک ابزار است و فی‌نفسه یک هدف نیست. در هر جامعه‌ای ارزش‌ها باید تعیین کند که آیا باید فناوری را پذیرفت یا رد کرد. (همو: ۹۶)

اما در دوران مدرن می‌توان این ادعا را مطرح کرد که شکوفایی اشکال خاص فناوری دگرگونی‌های اساسی و عمده‌ای از جهت سیاسی و اجتماعی ایجاد کرده است به طوری که همین فناوری باعث تمایز دوران صنعتی و پسا صنعتی شده است. علاوه بر اینکه تحولات فناوریانه می‌تواند تحولات سیاسی اجتماعی را در پی داشته باشد همچنین می‌تواند بر آشکال دانش تأثیری تعیین‌کننده داشته باشد آن چنان که ژان فرانسوا لیوتار (۱۹۷۹) ادعا می‌کند. (ادگار، سچ ویک، ۱۳۸۷: ۱۰۰) او معتقد است آثار اجتماعی و فرهنگی فناوری به مقولاتی از قبیل تحول تاریخی - اجتماعی طبقات محدود نمی‌شود بلکه شیوه اندیشیدن ما و نیز طبقه‌بندی و ارزش‌گذاری تجربیات به دست قدرت‌های فناوریانه دستخوش تغییر هستند؛ بنابراین در فرهنگ معاصر فناوری به سنگ محکی تبدیل شده که بر مبنای آن ماهیت دانش تعیین می‌گردد.

بودریان نیز همانند لیوتار معتقد است در دوران پسا مدرن، فناوری می‌تواند برداشت ما از تجربه و دانش را دگرگون سازد. به عبارت دیگر از نظر بودریان، قدرت فناوری در اثرگذاری بر فهم ما از معنا و اهمیت رخدادها، به واسطه فرایندهای بازنمایی برجسته می‌شود. از نظر او چیستی یک رخداد را کارکرد بازنمایی فناوری تعیین می‌کند. (همو، ۱۰۱)

فناوری‌های نوین ارتباطی

مهم‌ترین نکته در عبارت فناوری‌های نوین ارتباطی، واژه «نوین» است. واژه نوین در این مقوله، به این نکته اشاره دارد که فناوری‌های ارتباطی و اطلاعاتی اختراع امروز نیستند؛ از قرن‌ها پیش، انواع این فناوری‌ها وجود داشته‌اند. برای مثال تا پیش از آنکه از رایانه برای ذخیره و بازیابی اطلاعات کتاب‌شناسی استفاده شود، سال‌ها از قفسه‌های برگه‌دان برای این کار استفاده می‌شد؛ حتی امروز در برخی از کتابخانه‌ها در کنار رایانه، از همان شیوه سنتی هم استفاده می‌شود. درباره فناوری‌های ارتباطی نیز وضع به همین منوال است. پیش از پست الکترونیک از پست معمولی استفاده می‌شده است و بجای تلفن همراه، از تلفن ثابت (کوثری، ۱۳۹۳: ۲۵).

بنابراین منظور ما از فناوری‌های نوین ارتباطی در این مقاله بیشتر فناوری‌هایی نظیر رادیو، تلویزیون و اینترنت است که دانیل بل آن‌ها را فناوری‌های تحول‌نا امید است. او سه مرحله را در توسعه فناوری‌ها از هم متمایز می‌کند:

فناوری‌های تحول‌نا: گونه‌ای فناوری است که تأثیری انقلابی یا متحول‌کننده بر جامعه می‌گذارد. تلفن، تلویزیون و کامپیوتر از فناوری‌های تحول‌نا هستند؛ زیرا تلفن نحوه ارتباط ما را با یکدیگر کاملاً دگرگون ساخت و جایگزین سیستم‌های پست و تلگراف شد و معنای جدیدی از زمان و مکان ارائه داد. تلویزیون هم برخلاف رادیو که بر انتقال صوت تأکید دارد بر انتقال تصویر تأکید می‌کند و بر الگوهای تعامل اجتماعی تأثیر می‌گذارد؛ و کامپیوتر نیز شیوه کار و ارتباط ما را دگرگون ساخته است. محاسبه، دفترداری، شبیه‌سازی، مدل‌سازی و... به کمک کامپیوتر برای ما ممکن شده است.

فناوری‌های گسترش‌یافته: دامنه‌ای جدید و کاربردهایی تازه برای فناوری فراهم می‌کند. تلفن همراه، باند عریض (تلویزیون‌های دیجیتال) و شبکه‌سازی (اینترنت یا وب‌سایت‌ها)، فناوری گسترش‌یافته از تلفن، تلویزیون و کامپیوتر هستند.

فناوری‌های انحصاری: کاربردهای خاصی هستند که برای کارهای خاصی ایجاد شده‌اند. کانال‌های ویژه، تلویزیون اینترنتی، یا نرم‌افزارهای گرافیکی یا حسابداری از فناوری‌های انحصاری به شمار می‌روند. این فناوری‌ها را معمولاً شرکت‌های کوچک بر اساس نیاز خاصی ایجاد می‌کنند. (بل، ۱۳۸۲: ۸۵)

اما اشتوبر (۲۰۰۴) در تحقیق خویش، چارچوبی نظری را مطرح می‌کند و نگاه دقیقی به

تحول و تکامل رسانه می‌اندازد. نگاه نظری او، نگاه نظری کلان است. اوسه مرحله توسعه را شناسایی می‌کند؛ ابداع، نوآوری و نهادینه شدن.

ابداع توانایی تبدیل بیت‌های متمایز داده‌ای آنالوگ (مثل صدا، متن، صوتی یا تصویری) به بیت‌های نامتمایز داده‌های دیجیتال را دارد. در حال حاضر، به کارگیری ابداع، برای همگرایی رسانه‌ها آشکار شده است و این فاز و مرحله کامل شده است؛ زیرا دیجیتالی کردن صدا، متن یا داده صوتی و تصویری، بیش از یک دهه اتفاق افتاده است.

مرحله نوآوری به کارگیری ابداع به «جهان واقعی» را بررسی می‌کند. هم‌اکنون این مرحله کامل شده است؛ زیرا گرفتن داده‌های رسانه‌ای دیجیتالی شده از پایگاه‌هایی مثل کابل یا اینترنت امکان پذیر شده است. اکنون صنعت رسانه‌ای به مرحله نهادینه شدن در حال حرکت است؛ صنعتی که به منزله اقتباس محیط در ایجاد یک «نهاد مستقل» است. (شاه قاسمی، ۱۳۹۳: ۹۷)

بنابراین چه مرحله تحول زایی دانیل بل را در خصوص فناوری در نظر بگیریم و چه مرحله ابداع اشتوبر را در هر دو صورت نتیجه یکی است و آن این است که حضور فناوری‌های نوین ارتباطی و اطلاعاتی به یکی از مشخصه‌های اخیر جامعه معاصر تبدیل شده است؛ به طوری که بسیاری این عصر را با آن نام‌گذاری کرده‌اند. دگرگونی‌های ناشی از این فناوری‌ها، بسیاری از دانشمندان و پژوهشگران را بر آن داشته است که به عصری که دانیل بل (webster, 2006: pages after 32) مدت‌ها پیش، آن را در اثر پیشگامانه خود «جامعه اطلاعاتی» نامیده بود اما در واقع فقط با تجاری شدن رایانه شخصی در آغاز دهه ۱۹۹۰ و به ویژه، حضور شبکه جهان‌گستر (اینترنت) در اواخر دهه ۱۹۹۰، به وقوع پیوست نام‌های جدیدی بدهند. نام‌هایی نظیر عصر اطلاعات (کاستلز، ۱۳۸۲)، عصر دیجیتال، عصر اینترنت، کهکشان اینترنتی (castells, 2001). (کوثری، ۱۳۹۳: ۲۰)

روایات ارتباطی عصر ظهور

در روایات بسیاری عصر ظهور، دوره رشد و پیشرفت علوم و فنون و شکوفایی و کمال یافتن عقلانیت بشری به شمار آمده است و عالم بشری و جامعه توحیدی مهدوی، با

توسعه و ارتقاء علمی شگرف و بی سابقه‌ای روبرو خواهد گردید. در عصر حکومت جهانی مهدوی دانش بشری به دستاوردهایی مافوق تصور می‌رسد و در پرتو هدایت حضرت مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف عقل‌ها نیز به رشد و کمال وافی رسیده و شکوفا می‌گردند.

روایات مربوط به حضرت مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف بسیاری از امور غیرعادی را برای نسل‌های گذشته و معاصر بیان می‌کند از جمله وسایل ارتباط جمعی و ابزار بصری و پژوهشگری و جنگ افزارها و سیستم‌های اقتصادی و حکومت و قضاوت و چیزهای دیگر که ظاهراً برخی از آن‌ها کرامت و معجزه است که خداوند متعال آن را به دست حضرت و یارانش جامه عمل می‌پوشاند. ولی بسیاری از آن‌ها نتیجه تحول علوم طبیعی و بهره‌گیری از قوانین و نعمت‌های الهی است که به صورت مواد و عناصر در زمین و آسمان در دسترس انسان قرار گرفته است. روایات متعددی دلالت دارد که تحولی که در علوم طبیعی توسط حضرت مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف انجام می‌پذیرد جهشی در پیشرفت زندگی بشریت در روی زمین و تمام زوایای آن خواهد بود (کورانی، ۱۳۷۸: ۳۶۶):

موسی بن عمر، عن ابن محبوب، عن صاحب ابن حمزة، عن ابان عن ابی عبدالله علیه السلام قال:
الْعِلْمُ سَبْعَةٌ وَعِشْرُونَ حَرْفًا فَجَمِيعُ مَا جَاءَتْ بِهِ الرُّسُلُ حَرْفَانِ فَلَمْ يَعْرِفِ النَّاسُ حَتَّى
الْيَوْمِ غَيْرَ الْحَرْفَيْنِ فَإِذَا قَامَ قَائِمُنَا أَخْرَجَ الْخُمْسَةَ وَالْعِشْرِينَ حَرْفًا فَبَيَّنَّا فِي النَّاسِ وَضَمَّ
إِلَيْهَا الْحَرْفَيْنِ حَتَّى يَبُتَّهَا سَبْعَةٌ وَعِشْرِينَ حَرْفًا (بخاری ج ۵۲: ۳۳۶).

امام صادق علیه السلام می‌فرماید: دانش بیست و هفت حرف است و مجموع آنچه پیامبران آورده‌اند دو حرف است و مردم تا آن روز بیش از آن دو حرف را نمی‌دانند و چون قائم قیام کند بیست و پنج حرف بقیه را برون آورده و در میان مردم منتشر می‌سازد و بدین سان مجموع بیست و هفت جزء دانش را نشر می‌دهد.

این روایت هرچند به علوم پیام‌آوران الهی ناظر است ولی علاوه بر علم و شناخت خداوند و رسالت او و آخرت، به دانش‌های طبیعی نیز توجه دارد که طبق اخبار رسیده، پاره‌ای از اصول همین دانش‌ها را نیز پیامبران علیهم السلام به انسان‌ها آموخته‌اند و آن‌ها را به این علوم راهنمایی کرده و جزئی از دریچه‌های آن را به روی آنان گشوده‌اند. از جمله آموختن خیاطی توسط حضرت ادریس و کشتی‌سازی و نجاری توسط حضرت نوح و زره‌سازی به وسیله حضرت داوود و سلیمان به مردم انجام گرفته است... و بعید نیست مراد از علم در این روایت هم علوم دین و هم علوم طبیعی باشد به این معنی که نسبت علمی که در اختیار مردم است با علمی که حضرت مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف می‌آموزد نسبت دوه به بیست و پنج

است. (کورانی، ۱۳۷۸: ۳۶۶) از نکات بارز در روایات مربوط به حضرت مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف رفاه اقتصادی و پیشرفت فناوری در حکومت جهانی اوست. به ویژه زمانی که صدور این روایات را در عصر پیامبر و پیش از تحولاتی که امروز در علوم طبیعی پدید آمده است بدانیم که زندگی مادی بشر را در مراحل نوینی قرار داده که در بسیاری از پدیده‌های زندگی روزمره و زندگی اجتماعی و اوضاع بین‌المللی، نسبت به قبل تفاوت دارد، بعلاوه، نوع زندگی مادی‌ای که متون روایات از آن در عصر امام عجل الله تعالی فرجه الشریف سخن می‌گوید، از آنچه که در عصر خود می‌شناسیم بسیار بزرگ‌تر است و آنچه ما را به آن پایه از رفاه می‌رساند، تحول علوم با تلاش و کوشش عادی بشر است... (کورانی، ۱۳۷۸: ۳۶۲) علاوه بر این یکی از پارادایم‌های مهم در حوزه ارتباطات، پارادایم توسعه فناوری ارتباطی است. در این پارادایم، آینده جوامع بسیار خوش‌بینانه ترسیم می‌شود. عامل اصلی خوش‌بینی، رشد و توسعه فناوری‌های ارتباطی و رسانه‌ها است. رسانه‌ها، ارتباط و فناوری که مهم‌ترین آن‌ها فناوری ارتباطی است عامل رشد اقتصادی و رفاه مادی هستند؛ بنابراین به مرور زمان فناوری‌های ارتباطی بر جوامع حاکم شده و موجب رشد و ترقی آن‌ها خواهند شد. به عبارت دیگر در این پارادایم، فناوری متغیر مستقلی است که شرایط زندگی افراد و جامعه را دگرگون می‌کند و این دگرگونی در جهت تولید، رفاه، آزادی و افزایش خوشبختی بشر است. (بهرامی کمیل، ۱۳۸۸: ۳۰)

به تعبیر آیت‌الله جوادی آملی اُمّتی که در پرتو دین واحد و تحت امامت و ولایت واحد آخرین حجت الهی آرمان شهر بشری را تشکیل می‌دهند، به گونه‌ای رشد می‌کنند و قله‌های بلند فرهنگ و دانش را تسخیر می‌کنند که به تمام بیست و هفت بخش علوم دست می‌یابند، در حالی که قبل از ظهور با تمام پیشرفت علمی‌اش، خواه با چراغ وحی یا ابزار تجربه، به بیش از دو بخش آن دست نیازیده بود (جوادی آملی، ۱۳۸۹: ۲۶۳)

علاوه بر این مطالب شاید بتوان گفت یکی از مکانیسم‌های رشد و توسعه علم و رسیدن آن به اوج خودش، توسعه فناوری‌ها و ارتباطات است همچنان که لیوتار و بودریار معتقد بودند که فناوری سنگ محکی است که بر مبنای آن ماهیت دانش تعیین می‌گردد. از این‌رو می‌توان تصویری را که از روایات عصر ظهور درباره ارتباطات استنباط می‌شود به عنوان زمینه‌ساز آشکار شدن علوم مدنظر قرار داد. در ادامه به تبیین چند روایتی که بیشترین دلالت‌گری را در خصوص ارتباطات عصر ظهور دارند پرداخته و تصویری که از

ارتباطات به دست می‌دهند مورد بررسی قرار می‌گیرد.

روایت اول

أَبُو عَلِيٍّ الْأَشْعَرِيُّ عَنِ الْحَسَنِ بْنِ عَلِيٍّ الْكُوفِيِّ عَنِ الْعَبَّاسِ بْنِ غَامِرٍ عَنِ الرَّبِيعِ بْنِ مُحَمَّدٍ الْمُسَلِّ عَنِ أَبِي الرَّبِيعِ الشَّامِيِّ قَالَ سَمِعْتُ أَبَا عَبْدِ اللَّهِ عليه السلام يَقُولُ إِنَّ قَائِمَنَا إِذَا قَامَ مَدَّ اللَّهُ عَزَّ وَجَلَّ لِشِيعَتِنَا فِي أَشْمَاعِهِمْ وَأَبْصَارِهِمْ حَتَّى لَا يَكُونَ بَيْنَهُمْ وَبَيْنَ الْقَائِمِ بَرِيدٌ يَكْلِمُهُمْ فَيَسْمَعُونَ وَيَنْظُرُونَ إِلَيْهِ وَهُوَ فِي مَكَانِهِ. (كلینی، ۱۴۰۷ ق، ج ۸: ۲۴۱).

امام صادق عليه السلام می‌فرماید: هنگامی که قائم ما قیام کند، خداوند قدرت شنوایی و بینایی شیعیان ما را افزایش می‌دهد؛ به گونه‌ای که از فاصله یک برید (چهار فرسنگ) حضرت با شیعیانش سخن می‌گوید و آنان سخنش را می‌شنوند و حضرت را می‌بینند؛ در حالی که حضرت در جایگاه خودش مستقر است.

بررسی سندی

بررسی این اسناد بر اساس تقسیم‌بندی علامه حلی صورت می‌گیرد. ایشان با کمک استادش احمد بن طاووس طرح نوی در باب علم درایه و علم حدیث پیشنهاد کرد؛ و آن تقسیم چهارگانه حدیث بود. آن‌ها حدیث را از نظر اعتبار و عدم اعتبار، به چهار قسم تقسیم کردند:

۱. حدیث صحیح: حدیثی است که سلسله راویان آن ذکر شده و همه ثقه و دوازده‌امامی باشند.
۲. حدیث حسن: روایتی است که سلسله راویان ذکر شده در آن ثقه باشند و حداقل یک راوی، توفیق نشده، بلکه فقط مدح شده باشد.
۳. حدیث موثق: منظور روایتی است که سلسله سندش ذکر شده باشد و تمام راویان ثقه باشند؛ ولی در سلسله روایت، دست‌کم یک راوی ثقه غیر دوازده‌امامی وجود دارد.
۴. حدیث ضعیف: حدیثی است که شرایط روایت صحیح، حسن و موثق را ندارد. (ربانی، ۱۳۸۵: ۱۱۳)

بر اساس این مبنا و بررسی وضعیت هریک از راویانی که در سلسله سند روایت آمده‌اند می‌توان گفت این حدیث بر اساس روایانش حدیث حسن به شمار می‌رود چراکه ابی ربیع شامی تنها فردی است که در سلسله سند این روایت توثیق نشده اما بقیه افراد هم امامی‌اند و هم توثیق شده‌اند. شایان ذکر است که مشهور به حدیث حسن اعتماد داشته‌اند و به آن عمل می‌کردند؛ بنابراین این حدیث از جهت سندی هیچ

مشکلی ندارد.

تحلیل روایت

در تحلیل این روایت لازم است برخی از واژه‌های بکاررفته در حدیث را مورد بررسی قرار داد؛ اما قبل از پرداختن به واژه‌ها به صورت کلی می‌توان گفت که این روایت ناظر به تبیین رسانه حاکم در عصر ظهور است و در خصوص پیام انتقالی مسکوت است. شاید با تأمل در نظریه رسانه‌ای مک لوهان بتوان گفت که آنچه اهمیت دارد رسانه است نه پیام؛ چرا که این رسانه است که مقیاس و نوع ارتباط و کنش انسان را شکل داده و کنترل می‌کند (McLuhan, 1964: 9) در این روایت نیز امام با تمرکز بر رسانه حاکم می‌خواهد شکل‌گیری جامعه عصر ظهور را به وسیله فناوری‌های رسانه‌ای تبیین کند. اولین واژه که می‌تواند در تفسیر و تحلیل روایت کمک شایانی کند واژه «مَدَّ» است. «مَدَّ» در لغت به معنای بسط و گسترش است همچنان که در کتاب تاج العروس آمده است.

المَدُّ: البَسْطُ. قَالَ الْإِسْطُ: مَدَّ اللَّهُ الْأَرْضَ مَدًّا: بَسَطَهَا وَسَوَّاهَا؛ وَقَوْلُهُ تَعَالَى: وَإِذَا الْأَرْضُ مُدَّتْ^۱ أَى بُسِطَتْ وَسُوِّيت (حسینی زبیدی، ۱۴۱۴ ق: ج ۵، ۲۴۶).

بر اساس این معنا می‌توان گفت خداوند گوش‌ها و چشم‌های شیعیان را در زمان ظهور بسط خواهد داد. شاید منظور از بسط چشم و گوش همان چیزی باشد که مک لوهان به آن اشاره می‌کند. او بر این باور است که رسانه‌ها امتداد و گسترش یافته حواس انسان هستند (ون لون، ۱۳۸۸: ۴۶)؛ و این رسانه‌ها هستند که تن آدمی را امتداد داده، توانایی آدمی را برای ادراک، بیان خویشتن، رفتن به سراغ دیگران و لمس کردن آن‌ها در مکان‌ها و زمان‌ها وسعت می‌دهد. (همو: ۲۷) مک لوهان تلویزیون را امتداد چشم انسان و رادیو را امتداد گوش انسان می‌داند. او معتقد است فناوری‌های ارتباطی، تکمیل‌کننده افکار انسانی و موجبات رشد و توسعه آنان در دنیای پیچیده ارتباطات است. (راجرز، ۱۳۸۷: ۷۹۱) ارتباط بی‌واسطه آن حضرت و مریدانش در سراسر جهان، در گذشته نوعی معجزه تلقی می‌شد، اما اینک در عصر ارتباطات دیگر نیازی به تفسیر اعجازی نیست بلکه می‌توان تحقق عینی این پیش‌بینی‌ها را به راحتی مشاهده و فهم کرد (آذرشین فام، ۱۳۹۳: ۳۴۰)؛

۱. الانشقاق: ۳.

بنابراین این روایت با توجه به اختراع فناوری های جدید، بیش تر قابل درک است (طبسی، ۱۳۸۵: ۱۷۹).

واژه دیگری که در این روایت قابل تأمل است واژه «أسماعهم و ابصارهم» است. منطق روایت این است که خداوند گوش ها و چشم های شیعیان را توسعه می دهد. شاید بتوان گفت در عصر ظهور رسانه هایی اختراع می شوند که هم جنبه دیداری و هم جنبه شنیداری شیعیان را تقویت می کند. همچنان که مک لوهان دوره شفاهی را دوره شنیداری و دوره گوتنبرگ و مارکنی را دوره غلبه حس دیداری انسان می داند. در باور او تلویزیون به عنوان رسانه الکترونیکی و کتاب به عنوان رسانه چاپی در امتداد حواس دیداری انسان اختراع شدند و رادیو در امتداد گوش انسان اختراع شده و اینترنت نیز به عنوان رسانه چندرسانه ای همه قابلیت های رسانه های قبلی را در خود جمع کرده است؛ بنابراین منظور از اسماعهم و ابصارهم در روایت شاید همان رسانه های جمعی باشد همچنان که آیت الله سبحانی تأکید می کنند که حکومت واحد جهانی، بدون تکامل صنعت بالأخص وسایل ارتباط جمعی امکان پذیر نیست، زیرا حکومتی که می خواهد ندای الهی را به اقصى نقاط جهان برساند و همه مردم جهان را از پیام خود آگاه سازد نمی تواند بدون تکامل صنایع و وسایل ارتباط جمعی اجرای وظیفه کند. حاکم الهی که باید پیام خدا را در یک شب به سراسر جهان ابلاغ کند و وظیفه مردم را در برابر حوادث و رویدادها روشن نماید باید از وسایل تندرو و دستگاه های گزارشگر قوی و نیرومند برخوردار باشد (سبحانی، ۱۳۸۶: ۳۰۶). از این رو هیچ بعید نیست که خداوند در عصر ظهور، شیعیان را از طریق رسانه های مختلف دیداری و شنیداری به همدیگر مرتبط کند.

واژه دیگری که تحلیل های قبلی را تأیید می کند واژه «برید» است. برید یعنی واسطه، پیک و... یعنی شیعیان به گونه ای با امام خویش ارتباط برقرار می کنند که هیچ واسطه ای بین آنها نیست و امام در جای خودش قرار دارد و شیعیان نیز در مکان دیگری قرار دارند اما ارتباط به گونه ای است که آنها همدیگر را می بینند و این مسئله امروزه از طریق امواج و ارتباطات تصویری قابل فهم شده است و انسان ها بر اثر پیشرفت های فثا و رانه با دورترین نقطه زمین ارتباطات تصویری برقرار می کنند آن چنانکه گویی همدیگر را می بینند. بر همین اساس آیت الله جوادی معتقدند که در عصر ظهور در حوزه فناوری تحوّل شگرف

رخ خواهد داد، به گونه‌ای که بین آن حضرت و یارانش هیچ پیکی نخواهد بود، حضرت سخن می‌گوید و آنان در هر کجا که باشند وی را می‌بینند و صدایش را می‌شنوند. از این رو، اگر منظور از این حدیث امری کرامت و خارق عادت نباشد، قطعاً بیانگر پیشرفت‌های صنعتی عصر ظهور است، همان‌طور که بخشی از آن اکنون نیز در سایه ماهواره‌ها، وسایل ارتباط جمعی و شبکه جهانی اینترنت عملی شده است که می‌تواند از آثار و علائم ظهور آن حضرت باشد و بخش کامل تر آن در زمان ظهور و حکمت آن حضرت محقق گردد (جوادی آملی، ۱۳۸۹: ۲۶۷).

واژه دیگر که قابل تأمل است واژه «لشیعتنا» است. برخی‌ها گفته‌اند شاید این بسط و توسعه یک فضیلتی است که خداوند فقط به شیعیان عنایت می‌کند و در همین راستا این روایت را حمل بر اعجاز و کرامت می‌کنند اما از سوی دیگر کسانی هستند که بر اساس فناوری‌های ارتباطی آن را به عموم و از جمله شیعیان حمل کرده‌اند. به گونه‌ای که شیعیان در همه زمان‌ها حتی در مواقع بحران نیز از این امتداد و نعمت الهی بهره‌مندند و به آن‌ها دسترسی دارند برخلاف سایر مردم که در مواقع بحران دسترسی به رسانه‌های جمعی ندارند. بر همین اساس آیت‌الله صافی گلپایگانی معتقدند که این مسئله، به امام و رعیت اختصاص ندارد؛ بلکه مردم عادی نیز با همدیگر سخن می‌گویند و همدیگر را مشاهده می‌کنند؛ در حالی که یکی در مشرق عالم و دیگری در مغرب است (صافی گلپایگانی، ۱۴۱۹: ۴۸۳)؛ بنابراین بر اساس این روایت می‌توان گفت که در زمان ظهور در اثر فناوری قوی و صنعت نیرومند و پیشرفت عظیم علم و دانش، مردم از هر گوشه و کنار آن می‌توانند به طور مستقیم با امام رابطه برقرار نموده و رفع نیاز نمایند، همان‌گونه که آفتاب را می‌بینند امام را نیز خواهند دید.

روایت دوم

ابن مسکان قال: سمعت أبا عبد الله عليه السلام يقول: إن المؤمن في زمان القائم وهو بالشرق يرى أخاه الذي في المغرب وكذا الذي في المغرب يرى أخاه الذي في الشرق. (مجلسی، ۱۴۰۴ق: ج ۳۹۱، ۵۲، ح ۲۱۴)

امام صادق علیه السلام می‌فرماید: در روزگار حضرت قائم عجل الله تعالی فرجه مؤمن در شرق زمین، برادرش را که در غرب زمین است می‌بیند. همچنین مؤمنی که در غرب است، برادرش را که در مشرق است مشاهده می‌کند.

ابن مسکان: آنچه درباره ابن مسکان مسلم است، توثیق وی از جانب رجال شناسان امامی و برشمردن او در میان اصحاب اجماع است. سند این روایت همان سلسله سند روایت قبلی است الا اینکه در این روایت به جای ابی ربیع شامی از ابن مسکان نقل شده و آن ایراداتی که در خصوص توثیق ابی ربیع شامی بود در اینجا وجود ندارد. بنابراین براساس چارچوب اعتبارروایی که علامه حلی بیان داشته‌اند می‌توان گفت این روایت صحیح السند است و ایرادی از جهت رجالی بر این روایت وارد نیست.

تحلیل روایت

یکی از مؤلفه‌های تأثیرگذار در فهم عصر ظهور، مفاهیم زمان و مکان است. زمان و مکان به لحاظ تاریخی به شکلی مستقیم با هم مرتبط بوده‌اند و رویدادها در زمان خاص و محل خاصی به هم پیوند خورده بودند؛ اما در عصر ظهور با توجه به این روایت به نظر می‌رسد رابطه زمان و مکان مثل جهان مدرن دگرگون می‌شود و زمان از مکان جدا می‌شود. به عبارتی دیگر در عصر ظهور زمان کوتاه‌تر و مکان کوچک‌تر می‌شود به گونه‌ای که مؤمنین در مشرق مؤمنین در مغرب را خواهند دید و با آن‌ها گفتگو خواهند کرد. این وضعیت را رابرتسون (۱۹۹۲) فشردگی^۱ جهان و هاروی (۱۹۸۹) آن را فشردگی زمان و مکان و گیدنز آن را جدایی زمان از مکان^۲ می‌نامد (مونژ، ۱۳۸۷: ۷۶۴). گیدنز پیامد جدایی زمان از مکان را «از جاکندگی»^۳ می‌داند و بر این باور است که از جاکندگی، روابط اجتماعی را از بافت‌های محلی تعامل جدا می‌کند و در گستره‌های نامعین زمانی-مکانی شکل می‌دهد. اورسانه‌ها را یکی از سازوکارهای این از جاکندگی می‌داند. بر این اساس می‌توان گفت در عصر ظهور نیز با توجه به این روایت جدا شدن زمان از مکان محقق خواهد شد و روابط اجتماعی مؤمنین در بافت‌های محلی تعامل تغییر می‌کند و با واسطه فتاوری این روابط ساختار جدیدی پیدا می‌کند به گونه‌ای که انسان‌ها از فاصله‌های مکانی بسیار دور در یک زمان واحد همدیگر را خواهند دید (مهدی زاده، ۱۳۹۳: ۲۰).

1. compression
2. time-space distanciation
3. disembedding

در همین راستا براساس نظریه بی‌مکانی^۱ می‌روویتز نیز می‌توان گفت که در عصر ظهور، مردم دیگر توسط مرزهای فیزیکی و یا مکانی (جایی که هستیم) تعریف نمی‌شوند، بلکه براساس شبکه‌های اطلاعات و دانش (آنچه ما می‌دانیم) تعریف می‌شوند - که توسط فناوری‌های رسانه‌های جدید تسهیل شده است - که هیچ تصویری از مکان ندارند. (Dan laughey, 2007: 85)

ظهور رسانه‌های ارتباطی الکتریکی مانند تلفن، تلویزیون و اینترنت باعث کوچک شدن جهان شده و مردم به وسیله رسانه‌های سمعی و بصری به یکدیگر نزدیک‌تر شده‌اند و این یکی دیگر از عبارت‌های شناخته شده متأخر و الهام‌بخش ابداع شده توسط مک‌لوهان است: دهکده جهانی (مک‌لوهان و فیور، ۲۰۰۱).

ما دیگر در روستاهای قبیله‌ای به معنای تحت‌اللفظی زندگی نمی‌کنیم، بلکه در معنای استعاره‌ای، رسانه‌های الکتریکی، به حدی افق دید ما را گسترش داده‌اند که ما با مردم و مکان‌های سراسر دنیا احساس صمیمیت و خودمانی بودن می‌کنیم (دن لافی، ۲۰۰۷: ۴۱)

شاید بر همین اساس است که مؤمن در عصر ظهور مرزهای مکانی را درمی‌نوردد و آن‌سوی مرزهای جغرافیایی را با واسطه فناوری می‌بیند. این مطلب با دقت دروازه «لیری» قابل فهم است چراکه نشانگر این است که در عصر ظهور رسانه‌های تعاملی حاکم می‌شود که در آن ارتباطات دوسویه برقرار است برخلاف رسانه‌هایی مثل تلویزیون و رادیو و مطبوعات که ارتباط در آن‌ها یک‌سویه است. به عبارت دیگر و با تعبیر کاستلز می‌توان گفت در عصر ظهور فرهنگ مجازی واقعی توسط رسانه‌ها ایجاد می‌شود. این فرهنگ مجازی بودگی واقعی، به شکل رادیکال سبب دگرگونی زمان و مکان می‌شود. کاستلز، «زمان بی‌زمان» را به منزله نتیجه فناوری‌های جدید رسانه‌ای و اطلاعاتی معرفی می‌کند که هدف آن‌ها نابود کردن زمان از طریق فشردن سال‌ها به شکل ثانیه‌ها و شکستن توالی‌های «طبیعی» است (گذشته، حال و آینده)؛ اما زمان بی‌زمان تنها در دسترسی گروه‌های قدرتمندی قرار دارد که می‌توانند، برای نمونه، با دشمنان بجنگند و طی «جنگ‌های آنی» برنده شوند (کاستلز، ۲۰۰۰: ۴۸۴-۹۱). در جاهای دیگر، جوامعی که فاقد فناوری‌های جدید هستند، بر زمان زیستی یا ساعت تکیه می‌کنند و نبرد آن‌ها در

1. placelessness

جنگ‌ها سال‌ها به طول می‌انجامد. علاوه بر زمان بی‌زمان، آنچه کاستلزان را «فضای جریان‌ها» می‌نامد، به گروه‌های قدرتمند - بازارهای بزرگ مالی، رسانه‌های جهانی و غیره - امکان می‌دهد تا در تعامل‌های از راه دور شامل حرکت افراد و کالاها مشارکت کنند. «شهر جهانی» همانند نیویورک یا لندن، از این فضای جریان‌ها نشأت می‌گیرد که تولید، مدیریت و اطلاعات را به هم پیوند می‌زند. در مقابل، جوامع غیرشبکه‌ای، «فضای خود را به شکل مکان مبنا می‌فهمند» (کاستلزان، ۲۰۰۰: ۴۵۳) که در یک مکان خاص ثابت شده‌اند و فضای جهانی جریان‌ها در یک جامعه شبکه‌ای بر آن‌ها اثر نگذاشته است. همان‌طور که کاستلزان تصدیق کرده است، مفاهیم زمان بی‌زمان و فضای جریان‌ها، یادآوری مفهوم فشردگی زمان - مکان دیوید هاروی (۱۹۸۹) است. بنا بر آنچه گذشت می‌توان گفت این حدیث ممکن است اشاره به تکامل صنعتی و وسایل ارتباط جمعی - تلفن، تلگراف، رادیو و تلویزیون - یا وسایل مدرن‌تری باشد که در آن عصر در نتیجه گسترش علم و علوم مکتوم در آن روزگار پدید می‌آید و موجب فشردگی زمان و مکان می‌شود. ضمن آنکه می‌توان احتمال داد مراد از این گونه احادیث، بالا رفتن قدرت معنوی مؤمنین در آن زمان باشد؛ هرچند که این دو احتمال باهم قابل جمع است (سبحانی، ۱۳۸۶: ۳۰۷).

روایت سوم

حَدَّثَنَا مُحَمَّدُ بْنُ عَلِيٍّ مَاجِلَوِيٌّ رَضِيَ اللَّهُ عَنْهُ قَالَ حَدَّثَنَا مُحَمَّدُ بْنُ يَحْيَى عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ الْحُسَيْنِ عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ إِسْمَاعِيلَ عَنْ أَبِي إِسْمَاعِيلَ السَّرَّاجِ عَنْ بَشْرِ بْنِ جَفَرٍ عَنِ الْمُفَضَّلِ بْنِ عُمَرَ عَنْ أَبِي بَصِيرٍ قَالَ قَالَ أَبُو عَبْدِ اللَّهِ ع إِنَّهُ إِذَا تَنَاهَتْ الْأُمُورُ إِلَى صَاحِبِ هَذَا الْأَمْرِ رَفَعَ اللَّهُ تَبَارَكَ وَتَعَالَى كُلَّ مُنْخَفِضٍ مِنَ الْأَرْضِ وَخَفَضَ لَهُ كُلَّ مُرْتَفِعٍ مِنْهَا حَتَّى تَكُونَ الدُّنْيَا عِنْدَهُ بِمَنْزِلَةِ رَاحَتِهِ فَأَيُّكُمْ لَوْ كَانَتْ فِي رَاحَتِهِ شَعْرَةٌ لَمْ يَبْصُرْهَا (ابن بابویه، ۱۳۹۵: ج ۲، ۶۷۴)

امام صادق علیه السلام فرمود: هنگامی که کارها به صاحب اصلی ولایت (مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف) برسد خداوند هر نقطه فرورفته‌ای از زمین را برای او مرتفع و هر نقطه مرتفعی را پایین می‌برد آن چنان که تمام دنیا نزد او به منزله کف دستش خواهد بود! کدام یک از شما اگر در کف دستش موئی باشد آن را نمی‌بیند!

بررسی سندی

بر مبنای چارچوب علامه حلی می‌توان گفت این حدیث حسن است زیرا در سلسله

سند آن دو نفر هستند که حدیث را از صحیح بودن تنزل می‌دهند یکی از آن‌ها بشر بن جعفر که امامی است اما توثیق نشده و دیگری مفضل بن عمر که از منظر نجاشی و علامه ضعیف است. در هر صورت این حدیث درست است که به اندازه حدیث صحیح اعتبار ندارد اما سیره علما بر اعتماد و عمل به احادیث حسن بود همچنان که گذشت.

تحلیل روایت

آنچه می‌تواند در این روایت مورد تحلیل واقع شود دو جمله است که می‌توان از آن‌ها برداشت ارتباطی کرد و تحلیل ارتباطی ارائه داد. جمله اول این است «رَفَعَ اللَّهُ تَبَارَكَ وَتَعَالَى كُلَّ مُنْخَفِضٍ مِنَ الْأَرْضِ» خداوند در زمان ظهور هر زمین فرو رفته‌ای را مرتفع و مسطح می‌کند. به طوری که دنیا به منزله کف دست صاف و یکسان خواهد بود. امروز با نصب وسائل فرستنده بر فراز کوه‌ها، کمک به انتقال تصویرها به نقاط مختلفی از جهان می‌کنند و حتی از ماهواره‌ها نیز استفاده کرده مناطق وسیع‌تری را زیر پوشش انتقال تصویر قرار می‌دهند؛ تا همه کسانی که دستگاه‌های گیرنده در اختیار دارند بتوانند از آن استفاده کنند.

در ابتدای شکل‌گیری صنعت تلویزیونی برخی از گیرنده‌ها در نقاط کور پوشش امواج تلویزیونی قرار داشتند و چون امواج تلویزیونی به خط مستقیم حرکت می‌کنند خیلی از جاها به علت واقع شدن تپه‌ها یا فرورفتگی زمین نمی‌توانستند امواج دریافت کنند که به مرور این مشکل را با سیستم کابلی برطرف کردند (ملوین دفلور، ۱۳۸۷: ۲۸۱) با پیشرفت فناوری و ورود ماهواره‌ها مشکلات سیستم کابلی نیز برطرف شده و امروزه امکان دریافت امواج تلویزیونی از طریق ماهواره برای همه فراهم شده است (همو، ۲۸۴) بر همین اساس می‌توان گفت امروزه با ظهور فناوری‌های جدید جایی از زمین نیست که امکان دریافت اطلاعات ارسالی از طریق ماهواره را نداشته باشد. شاید بتوان گفت در عصر ظهور نیز جایی از زمین نخواهد بود که امکان دریافت پیام امام را نداشته باشد بلکه دنیا مسطح برای امام خواهد بود و امام پیام خود را از طریق امواج به سمع همه خواهد رساند.

در دهه ۱۹۶۰، مک لوهان، استاد کانادایی ارتباطات (۱۹۹۷)، با جمله معروف خود «رسانه همان پیام است» اعلام کرد که رسانه ما را به جامعه‌ای جهانی رهنمون می‌سازد. پیش‌بینی مک لوهان با اینترنت تعبیر یافته است؛ خواه آن تبدیل محتوا دریافت از فروش

مطبوعات سنتی به الکترونیکی باشد یا رقومی کردن داده‌ها از پخش سنتی به ماهواره، وایرلس و اینترنت که ما از طریق آن‌ها ارتباط برقرار می‌کنیم. کابل فیبرنوری نشان می‌دهد که سرعت نور از سرعت الکتریسته پیشی گرفته است؛ چیزی که می‌تواند تحویل داده را امکان پذیر و کانال‌های همزمان را مهیا کند. بسیاری از تغییرات در داده و محتوا، به واسطه توزیع سیستم دریافت دیجیتال محتوای بجای سیستم آنالوگ، تسریع و تسهیل شده است. ترکیب و فناوری و توزیع محتوا از طریق رایانه‌ها، فرصت‌های جدیدی برای صنعت رسانه فراهم کرده است (Lawson-borders, 2008: 9)؛ (شاه قاسمی، ۱۳۹۳: ۷۶) بنابراین امروزه که رشد فناوری‌های پیشرفته اطلاع‌رسانی چون ماهواره‌ها، به ویژه شبکه جهانی اینترنت که مرزهای ملی را درنور دیده، تمام انسان‌ها را در ارتباط مستقیم و بی‌واسطه با یکدیگر قرار داده است نمونه‌ای از ارتباطاتی است که می‌توان مشابه آن را در دوران عصر ظهور تصویر کرد.

جمله بعدی که می‌توان از آن تحلیل ارتباطی به دست داد عبارت است از: «تَكُونُ الدُّنْيَا عِنْدَهُ بِمَنْزِلَةِ رَاحَتِهِ» براساس این حدیث چنین برمی‌آید که در عصر قیام مهدی عَجَلُ اللَّهِ تَرَجُّعُهُ یک سیستم نیرومند و مجهز برای انتقال تصویرها به وجود می‌آید که شاید تصوّر آن هم امروز برای ما مشکل باشد، آن چنان که تمام جهان به منزله کف دست خواهد بود؛ نه موانع مرتفع و نه گودی زمین‌ها؛ مانع از رؤیت موجودات روی زمین نخواهد شد (مکارم شیرازی، ۱۳۸۶: ۲۴۷) پیشرفت فناوری و صنعت مخصوصاً صنایع حمل و نقل و ارتباطی در آن عصر چنان خواهد بود که قاره‌های بزرگ جهان عملاً به صورت چند شهر نزدیک به هم درمی‌آیند؛ و شرق و غرب حتی حکم یک خانه را پیدا می‌کند و مشکل زمان و مکان به کلی حل خواهد شد. البته ممکن است قسمتی از این امور در پرتویک جهش و انقلاب صنعتی در آن عصر صورت گیرد، ولی بالاخره یک نوع آمادگی علمی به عنوان زمینه باید در آستانه چنان عصری باشد. (مکارم شیرازی، ۱۳۸۶: ۲۱۷)

روایت چهارم

أَحْمَدُ بْنُ هُوْدَةَ عَنِ التَّهَانِدِيِّ عَنْ عَبْدِ اللَّهِ بْنِ حَمَّادٍ الْأَنْصَارِيِّ عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ جَعْفَرٍ عَنْ أَبِيهِ ع قَالَ: إِذَا قَامَ الْقَائِمُ بَعَثَ فِي أَقْلِيمِ الْأَرْضِ فِي كُلِّ إِقْلِيمٍ رَجُلًا يَقُولُ عَهْدُكَ فِي كِفِّكَ فَإِذَا وَرَدَ عَلَيْكَ مَا لَا تَفْهَمُهُ وَلَا تَعْرِفُ الْقَضَاءَ فِيهِ فَانْظُرْ إِلَى كِفِّكَ وَاعْمَلْ بِمَا فِيهَا.

امام باقر ع فرمود: «چون قائم قیام کند در هر منطقه‌ای از مناطق زمین، مردی

(به عنوان نماینده) می فرستد و می گوید دستورالعمل تو در کف دست توست، چنانچه امری برایت پیش آمد که آن را نفهمیدی و حکمش را ندانستی به کف دست خود نگاه کن و بر طبق آنچه در آن است عمل نما (نعمانی، ۱۳۹۷ق: باب ۲۱، ح ۸؛ مجلسی، ۱۴۰۴ق: ج ۵۲، ۳۶۵)

بررسی سندی

این حدیث بر اساس شاخص های اعتبار حدیثی علامه حلی نمی تواند حدیث صحیحی باشد زیرا در سند آن افرادی چون ابراهیم بن اسحاق وجود دارد؛ اما ضعف سندی هم دلیل نمی شود که متن آن مورد بررسی قرار نگیرد.

تحلیل روایت

به نظر می رسد این روایت علاوه بر تصویر رسانه حاکم در عصر ظهور به ظهور تمدن جدید هم اشاره می کند. به تعبیر اینیس «استفاده از یک رسانه جدید منجر به ظهور تمدن جدید خواهد شد» (Innis, 1951: 34) شاهد اصلی مدعای اینیس، تحول تاریخی از ارتباطات شفاهی به مکتوب است که با اختراع ماشین چاپ در آلمان آغاز شد و فناوری های چاپی باعث شدند مردم به سوادآموزی تشویق شوند و از منابع دست اول کتاب های مقدس بهره ببرند و در نتیجه به تعبیر والتر جی اونگ تجربیات حسی متفاوتی نسبت به فرهنگ های سنتی شفاهی داشته باشند (Dan laughey, 2007: 34) قبل از اختراع ماشین چاپ دوران قبیله ای در اوج خود قرار داشت. انسان ها از طریق کلام و آهنگ با یکدیگر در ارتباط بودند. ادبیات شفاهی تنها روش ارتباطی مورد نیاز بود. اختراع گوتنبرگ، این دوره از تاریخ رسانه ای را تغییر داد و به چرخ های در حال حرکت به سوی مدرنیته جهت بخشید. رسانه های چاپی - کتاب، جزوات و نامه ها - شروع به تسلط بر ارتباطات انسانی کرده و مفاهیم سنتی ترادبی (مهارت های خواندن و نوشتن) به یک نیاز برای پیشرفت اجتماعی تبدیل شد. (همو: ۴۰) بنابراین در طول رسانه های هر عصری تعیین کننده تمدن جدیدی بوده اند در عصر ظهور نیز بر اساس این روایت رسانه ای حاکم خواهد شد که نیازهای دانشی و اطلاعاتی مردم را برآورده خواهد کرد. شاهد این مطلب جمله امام در این روایت است که فرمود اگر امری برایت پیش آمد که آن را نفهمیدی و حکمش را ندانستی به کف دست خود نگاه کن و بر اساس آن عمل کن.

بر اساس این روایت می توان گفت که شاید نیاز به رسانه در عصر ظهور از نیازهای

اساسی بشر به شمار برود زیرا لازمه یک حکومت جهانی پاسخگویی به همه نیازهاست و این برآورده نمی‌شود مگر اینکه یک فناوری حاکم باشد که بتواند پاسخگوی همه نیازها باشد. ویلیامز بر این باور است که (برخلاف نظریه رسانه مک لوهان) فناوری‌ها در نتیجه نیازها، نیات و مقاصد انسانی توسعه پیدا می‌کنند و به وجود می‌آیند. به عبارت دیگر فناوری‌ها در محیط بسته آزمایشگاهی پدید نیامدند تا سپس نیازهای انسانی را مشخص کنند. (همو: ۵۲) طبق این دیدگاه در عصر ظهور حکومت جهانی اقتضا می‌کند که فناوری توسعه یابد و در خدمت مردم باشد.

«واعمل بما فیها»؛ براساس این فقره از جمله روایت می‌توان گفت که در عصر ظهور اعتماد به سازمان‌های رسانه‌ای و عمل کردن براساس اطلاعات موجود در آن از جایگاه خاصی برخوردار خواهد بود. به عبارت دیگر، در عصر ظهور به آنچه گیدنز «نظام‌های انتزاعی» می‌نامد از اعتبار و اعتماد ویژه‌ای برخوردار است - همانند بازرسی‌های امنیت غذایی، خدمات سلامت، شبکه‌های حمل و نقل و نیز سازمان‌های رسانه‌ای - ما در تعامل‌های زندگی روزمره خود با این نظام‌های انتزاعی و نیز از طریق اعتماد به آن‌ها، ساختارهای نهادی را بازتولید می‌کنیم که به این نظام‌های انتزاعی مشروعیت می‌بخشند. همان‌طور که گیدنز خاطرنشان می‌کند، «همه افراد در نظام‌های مدرن اشخاصی غیرمتخصص تقریباً در همه جنبه‌های فعالیت هستند» (Giddens, 1991: 195)؛ اما ویژگی مدرنیته متأخر - به رغم نظم ظاهری، پیچیدگی و حمایت «دایه - مانند»^۱ خود - عدم اعتماد به دیگران، ناامنی شخصی، مدیریت ریسک و در خود فرورفتن است؛ منظور گیدنز از «هویت فردی»^۲ همین است.

به اعتقاد دانیل بل که به نوآوری‌های فناورانه در بخش اطلاعات رویکردی بسیار خوش بینانه دارد، «فناوری روابط اجتماعی و شیوه تفکر ما در جهان را تغییر داده است» (بل، ۱۹۹۹: ۱۸۸) و سبب افزایش کنترل انسان بر طبیعت و تغییر بهره‌وری اقتصادی شده است.

آیت الله قزوینی رحمته الله علیه مؤلف کتاب *امام مهدی از ولادت تا ظهور* در خصوص این روایت سه احتمال را مطرح کرده‌اند:

1. nanny-state
2. self-identity

(۱) ممکن است روایت را معجزه بشناسیم و بگوییم فرستادگان آن اصلاح‌گربزرگ آسمانی، هنگامی که در مسائل ورخداده‌ها بمانند به ناگاه برکف دست خویش احکام عادلانه و مورد نظر را نوشته و آماده خواهند یافت. (۲) ممکن است منظور آن حضرت از جمله (عهدک فی کفک)، نوعی دستگاه شبیه بی‌سیم بسیار پیشرفته‌ای باشد که برخی چهره‌ها و شخصیت‌ها یا کارگزاران ویژه... به دست دارند و دستورات صادره از مقام فرماندهی کُل را همواره دریافت می‌دارند و بدان‌ها عمل می‌کنند و همیشه این دستگاه همراه آن‌هاست. (۳) و یا اینکه روایت، پیام و معنای دیگری دارد که پس از ظهور آن حضرت به خواست خدا آشکار خواهد شد و اکنون برای ما ناشناخته است. (قزوینی، ۱۳۸۱: ۷۲۶)

ممکن است فهمیدن حکم مشکلات به وسیله کف دست، کنایه از سرعت ارتباط با حکومت مرکزی و کسب تکلیف برای رفع مشکل باشد یا اشاره به مهارت خیره‌کننده مسئولان بر کار داشته باشد که با یک نگاه می‌توانند اظهار نظر کنند و شاید به وسیله معجزه مشکل حل شود که عقل بشر از فهم آن ناتوان است. (طبسی، ۱۳۸۸: ۱۹۴) و ممکن است این جریان به صورت اعجاز و کرامت برای آنان اتفاق افتد و یا بر اساس قواعد علمی و وسایل و ابزار پیشرفته انجام پذیرد (کورانی، ۱۳۷۸: ۳۶۸)

در عصر کنونی، برای مثال، موبایل دیگر وسیله ساده ارتباطی نیست. موبایل به مثابه یک چند رسانه مهم، امکانات گوناگونی از جمله ضبط و پخش صدا، نصب بازی، اتصال به اینترنت جهت دریافت و ارسال اطلاعات گوناگون و ذخیره‌سازی فایل‌های ام‌پی‌تری را برای کاربران فراهم آورده است. (Jenkins, 2004 به نقل از مولایی، ۱۳۹۳: ۲۸۹) و شاید همین ظرفیت‌ها و امکان‌های موبایل باعث شده امروزه مردم چشمشان در کف دستشان باشد و شاید همین امر سبب شده تا این روایت فهم‌پذیر شود و بتوان گفت در عصر ظهور نیز فناوری‌ای حاکم می‌شود که با در دست داشتن آن می‌توان به همه جوانب دین آگاه شد. این مطلب با توجه به عبارت «فانظر الی کفک واعمل بما فیها» بیشتر نمایان است. همچنان که امروزه نیز بسیاری از احکام و خبرها از طریق موبایل به دست انسان‌ها می‌رسد و مردم بر اساس آن‌ها عمل می‌کنند.

نتیجه‌گیری

در این مقال با بررسی سندی چهار روایت به تحلیل متن هریک از آن‌ها پرداخته شد. بیشتر روایت‌ها از جهت سندی روایت‌های حسن به شمار رفتند که قابل اعتماد و اعتنا

بودند. در تحلیل روایت‌ها بیشتر با تکیه بر واژه‌ها و جمله‌های بکاررفته در روایت‌ها و همچنین تفاسیری که بزرگان از آن‌ها ارائه داده‌اند مورد تحلیل قرار گرفتند. حاصل بررسی همه آن‌ها این بود که صنایع و فناوری‌های ارتباطی در عصر ظهور به طرز بی‌سابقه‌ای گسترش می‌یابد؛ اما تصویر این پیشرفت‌ها امروزه بر اثر ظهور فناوری ارتباطی، برای همگان قابل درک است؛ چون از راه‌های گوناگون مثل پست اینترنتی، ارتباط ماهواره‌ای و غیره، روزانه هزاران ارتباط مستقیم با مشاهده تصویر همدیگر و با سرعت و کیفیت مطلوب در سراسر جهان انجام می‌شود به عبارت بهتر ظرفیت‌هایی که فناوری‌های نوین ارتباطی امروزه برای بشریت فراهم کرده شاید تصورش در صد سال گذشته به صورت امکانی جز با تفسیر اعجازی ممکن نبود اما اکنون با دیدن آن‌ها این روایت‌ها نیز از معنای اعجازی به معنای طبیعی تفسیر می‌شوند همچنان که برخی از بزرگان بدان اشاره کرده‌اند.

منابع

- ابن بابویه، محمد بن علی، *کمال الدین وتمام النعمه* - تهران، چاپ: دوم، ۱۳۹۵ ق.
- افتاده، جواد، *همگرایی فناوری با رویکرد رسانه‌های اجتماعی*؛ چاپ شده در کتاب رسانه‌ها؛ روند همگرایی و تحولات فناوریانه، به اهتمام فرزانه نزاکتی، تهران: پژوهشگاه فرهنگ، هنر و ارتباطات، ۱۳۹۳.
- ادگار، اندرو، سچ و یک، پیتتر (۱۳۸۷)، *مفاهیم بنیادی نظریه فرهنگی*؛ ترجمه مهران مهاجر و محمد نبوی، تهران: آگه.
- آذرشین فام، سعید و جمعی از محققین، *معارف مهدویت*، قم: بوستان کتاب، ۱۳۹۳.
- بهرامی کمیل، نظام، *نظریه رسانه‌ها (جامعه‌شناسی ارتباطات)*، تهران: کویر، ۱۳۸۸.
- بهروزلک، غلامرضا، *سیاست و مهدویت*، قم: مؤسسه آینده روشن، ۱۳۸۸.
- بیچرانلو، عبدالله، *فناوری‌های نوین بخش تلویزیونی و سیاست‌گذاری تلویزیون در ایران*؛ چاپ شده در کتاب رسانه‌ها؛ روند همگرایی و تحولات فناوریانه، به اهتمام فرزانه نزاکتی، تهران: پژوهشگاه فرهنگ، هنر و ارتباطات، ۱۳۹۳.
- پاکتچی، احمد، *روش تحقیق با تکیه بر حوزه علوم قرآن و حدیث*، تهران: دانشگاه امام صادق علیه السلام، ۱۳۸۹.
- جوادی آملی، عبدالله، *امام مهدی علیه السلام موجود موعود*، قم: مرکز نشر اسراء، ۱۳۸۹.
- حسینی زبیدی، محمد مرتضی، *تاج العروس من جواهر القاموس* - بیروت، چاپ: اول، ۱۴۱۴ ق.
- خوئی، ابوالقاسم، *معجم رجال الحدیث و تفصیل طبقات الرواه*، بی نا، بی جا، ۱۴۱۳ ق.
- بل، دانیل، *آینده فناوری*، ترجمه احد علیقلیان، تهران: وزارت امور خارجه، مرکز چاپ و انتشارات، ۱۳۸۲.
- ربانی، محمد حسن، *سبک‌شناسی دانش رجال الحدیث*، جلد اول، ایران: قم، مرکز فقهی ائمه اطهار علیه السلام، ۱۳۸۵.
- رضوی، رسول، *امام مهدی علیه السلام*، قم: مرکز مدیریت حوزه علمیه، ۱۳۸۴.
- سبحانی، جعفر، *پرسش‌ها و پاسخ‌ها*، قم: مؤسسه امام صادق علیه السلام، چاپ سوم، ۱۳۸۶.
- شاه قاسمی، زهره، *همگرایی رسانه؛ پیشینه تاریخی و آینده پیش رو*؛ چاپ شده در کتاب رسانه‌ها؛ روند همگرایی و تحولات فناوریانه، به اهتمام فرزانه نزاکتی، تهران: پژوهشگاه

- فرهنگ، هنر و ارتباطات، ۱۳۹۳.
- شه کلی، احمد، تحلیل مبانی فلسفی فناوری و نسبت آن با انسان، پایان نامه دکتری، دانشگاه قم، ۱۳۹۵.
- طبسی، نجم الدین، چشم اندازی به حکومت حضرت مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف، قم: بوستان کتاب، ۱۳۸۸.
- طبسی، نجم الدین، چشم اندازی به حکومت مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف، قم: مؤسسه بوستان کتاب، چاپ پنجم، ۱۳۸۵.
- طوسی، محمد بن حسن، رجال الطوسی، جواد قیومی، قم: مؤسسه النشر الاسلامی، ۱۳۷۳.
- قزوینی، محمد کاظم، امام مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف: از ولادت تا ظهور، ترجمه علی کرمی و محمد حسینی، قم: نشر الهادی، چاپ چهارم، ۱۳۸۱.
- کوثری، مسعود، فناوری های نوین ارتباطی؛ مدلی برای همگرایی فناوری، انسان و جامعه، چاپ شده در کتاب رسانه ها؛ روند همگرایی و تحولات فناورانه، به اهتمام فرزانه نزاکتی، تهران: پژوهشگاه فرهنگ، هنر و ارتباطات، ۱۳۹۳.
- کورانی، علی، عصر ظهور، ترجمه عباس جلالی، تهران: چاپ و نشرین الملل سازمان تبلیغات اسلامی، ۱۳۷۸.
- کلینی، محمد بن یعقوب، الکافی (ط - الإسلامية) - تهران، چاپ: چهارم، ۱۴۰۷ ق.
- مامقانی، عبدالله، تنقیح المقال فی علم الرجال، قم: مؤسسه آل البيت علیهم السلام، ۱۳۵۱ ق.
- مجلسی، محمد باقر، بحار الانوار، ج ۵۲، ص ۳۳۶، مؤسسه الوفاء، بیروت، سال ۱۴۰۴ ق.
- مظاهری، حسین، الثقات الاخیار من رواه الاخبار، قم: مؤسسه الزهراء الثقات ادراسیه، ۱۴۲۸ ه. ق.
- مکارم شیرازی، ناصر، حکومت جهانی مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف، جلد ۱، نسل جوان - قم (ایران)، چاپ: ۵، ۱۳۸۶.
- مکارم شیرازی، ناصر، مهدی انقلابی بزرگ، قم، معارف، بی تا.
- ملوین دفلور، اورت ای. دنیس، شناخت ارتباطات جمعی، ترجمه سیروس مرادی، تهران: دانشکده صدا و سیما جمهوری اسلامی. ۱۳۸۷.
- مولایی، حمیده، تحولات فناورانه رسانه های اجتماعی و مشارکت سیاسی؛ چاپ شده در

- کتاب رسانه‌ها؛ روند همگرایی و تحولات فناورانه، به اهتمام فرزانه نزاکتی، تهران: پژوهشگاه فرهنگ، هنر و ارتباطات، ۱۳۹۳.
- مونژ، پتر، *ساختارها و فرایندهای ارتباطات در جهانی شدن*، در نظریه‌های ارتباطات، ویراستار پل کوبلی، ترجمه گودرز میرانی، تهران: پژوهشکده مطالعات فرهنگی و اجتماعی وزارت علوم، تحقیقات و فناوری، ۱۳۸۷.
- نجاشی، احمد بن علی، *رجال النجاشی*، محقق موسی شبیری زنجانی، قم: مؤسسه النشر الاسلامی، ۱۳۶۵.
- نعمانی، محمد بن ابراهیم، الغیبة، تهران، نشر صدوق، ۱۳۹۷ ق.
- Castells, M. (2000) *The Rise of the Network Society*, 2nd edn. Oxford: Blackwell
- Dan laughey (2007), *Key Themes in Media Theory*, New York
- Giddens, A. (1991) *Modernity and Self-identity: Self and Society in the Late Modern Age*. Cambridge: Polity.
- Innis, H. A. (1951) *The Bias of Communication*. Toronto: University of Toronto Press
- McLuhan, M. (1964) *Understanding Media: The Extensions of Man*. London: MIT Press.

